

بررسی مبانی حفظ عفت جنسی زنان شوهردار

نیره تاجیک^۱

۱۳۵

بررسی مبانی حفظ عفت جنسی زنان شوهردار

چکیده

امروزه حفظ عفت و ورزی زنان شوهردار در مسائل جنسی یکی از بارزترین دغدغه‌های فکری دین‌داران است. در این خصوص به سبب نپرداختن به عوامل مبنایی در حل معضلات انحرافات جنسی، بسیار ضروری است بدین امر توجه شود. پژوهش حاضر با این هدف به فهم مبانی حفظ عفت جنسی زنان شوهردار با رویکرد توصیفی تحلیلی و نیز به بررسی آیات، روایات و سخنان دانشمندان پرداخته و به این نتیجه دست یافت که حفظ حریم عفت، میان انسان‌ها به‌ویژه زنان شوهردار فقط در سایه بینش و جهان‌بینی و انسان‌شناسی توحیدی که منحصر به فرد و مطابق با فطرت انسان است، میسر است. جهان‌بینی هر فرد مبنا و الگوی باورها و ارزش‌های اوست و تأثیر مستقیمی در نوع سبک زندگی دارد.

کلیدواژه‌ها: عفت جنسی، زنان شوهردار، مبانی، جهان‌بینی، انسان‌شناسی.

۱. نیره تاجیک، طلبه سطح ۴ حوزه علمیه خواران. ntaajik@gmail.com

پیش‌تر کمتر کسی گمان می‌کرد که روزی مباحث زنان یکی از دغدغه‌های فکری در محافل علمی و فرهنگی به شمار آید. امروزه این مسائل گستره‌ای از دانش‌های گوناگون از حقوق و جامعه‌شناسی تا معرفت‌شناسی و فلسفه را در بر تو تأثیر خود گرفته است.

البته این نفوذ و تأثیر بیش از آنکه ریشه در معضلات اجتماعی داشته باشد به بنیان‌های معرفتی و اعتقادی بازمی‌گردد؛ بنابراین هرگونه پژوهش و جستاری در مباحث زنان باید بر بنیان‌های اعتقادی استوار گردد و بر منابع و مبانی دینی مستند باشد؛ چراکه انسان جهت دستیابی به سعادت و کمال و زیست سالم و پاک در تمام مراحل زندگی نیازمند الگوی نظری، یعنی اندیشه و اعتقاد و الگوی عملی است. در این راستا الگوهای برخاسته از فرهنگ قرآن و سیره اهل بیت علیهم‌السلام آینه تمام‌نمای زیست الهی می‌باشد.

مبانی زندگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امامان علیهم‌السلام و سپس عالمان دینی، مجموعه‌ای علمی و عملی است که می‌بایست به عنوان سرمشق مورد استفاده زنان و مردان جوامع اسلامی قرار گیرد تا نگرانی از رفتارهای اجتماعی که با بینش‌ها و ارزش‌های اسلامی سازگار نیست، از جمله معضل بی‌عفتی جنسی زنان شوهردار مرتفع گردد. باید گفت نوشته‌های بسیاری در قالب مقاله در زمینه عفت جنسی به رشته تحریر درآمده و از زوایای مختلف این موضوع را به بحث و بررسی گذارده است؛ مانند مقاله «جایگاه عفت جنسی در شریعت اسلامی و تأثیر آن بر تحکیم بنیان خانواده» از عفت میرخانی؛ «نقش عفت و حیا در رضایت‌مندی زن و شوهر» اثر علی حسین‌زاده و «عفت در روابط جنسی» از محمود اکبری؛ ولی هنوز به دلیل اهمیت ویژه این موضوع، پرونده پژوهشی آن گشوده است؛ چراکه در هیچ‌یک از مقالات با رویکرد مبنایی به حفظ عفت جنسی زنان شوهردار پرداخته نشده است.

نگارش حاضر با توجه به نیاز زندگی پاک و برآمده از مذهب توحیدی و مطابق با فطرت بشر به عینیت‌آوری و پرداختن به مبانی این خصوص، ضروری و دارای نوآوری است و در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است:

مبانی حفظ عفت جنسی زنان شوهردار چیست؟

ضرورت تحقیق

بر اساس این قاعده که همه رفتارهای انسان برخاسته از شناخت و ارزش‌های اوست، لازم می‌نماید مبانی که موجب بی‌عفتی از سوی زن شوهردار می‌شود یا سبب کمبود شناخت‌های درست، شده و موجب ترک روش‌های مطلوب می‌شود را شناسایی کرد تا سطح زیرین این ساختار محکم شود. دنیای مدرن امروز زندگی را برای برخی در حد شکل و ظاهر درآورده به گونه‌ای که در هیچ دورانی شکل و ظاهر زندگی این اندازه نقش نداشته که روح و روان بشر بدان مشغول گردد و از آن تأثیر گیرد، چنان که می‌توان گفت: «بگو چگونه و به چه شکل زندگی می‌کند تا بگویم چگونه فکر می‌کند». ریشه بسیاری از بی‌عفتی‌ها در جهل انسان است؛ زیرا از یک سو ایمان به خدا و آخرت و آموزه‌های قرآنی و از سویی دیگر افکار و اندیشه‌های غربی با فناوری پیشرفته آن، موجب سرگردانی در هویت برخی اشخاص شده، به همین سبب چشم به الگوهای دیگر دوخته‌اند که در تناقض کامل با مبانی، افکار و بینش‌های اسلامی است و این حقیقتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

۱- مفاهیم پایه

۱-۱- عفت جنسی

«عفت» در زبان فارسی به معنای پاک‌دامنی آمده است. (عمید، ۱۳۸۱: ۸۲۸) راغب اصفهانی می‌گوید: «عفت» حاصل شدن حالتی برای نفس و جان آدمی است که به وسیله آن از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۹) عفت دو مفهوم دارد: مفهوم عام، که عبارت است از خویش‌داری در برابر هرگونه تمایل افراطی نفسانی و مفهوم خاص آن، که خودداری از تمایلات افراطی جنسی یا همان «عفت جنسی» است. عفت در مفهوم خاص (عفت جنسی) بیش از مفهوم عام آن مورد تأکید قرار گرفته است؛ بدین علت که شهوت جنسی قوی‌تر از دیگر شهوات است، به طوری که انسان را بیشتر در معرض خطر و سقوط قرار می‌دهد و اعتدال در این امر دشوارتر است؛ (احمدی سلمانی، ۱۳۸۴: ۹۲-۹۱) چنان که امام محمد باقر (علیه السلام) فرموده‌اند: «مَا عَيْدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عِفَّةِ بَطْنٍ

و فرج))؛ خدا به چیزی بهتر از عفت شکم و فرج عبادت نشده است. (کلینی، ۱۳۸۸: ۱۲۶/۳)

۱-۲- مبانی

از ریشه مبنا و در لغت به معنای پایه و اساس است که چیزی روی آن بنا شده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۰۲/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۵/۱۴) مبانی هر علم، باورهای بنیادی، پیش فرض‌های کلی و مسلمی است که یا از بدیهیات عقلی بوده و یا در علوم دیگر اثبات شده است و قواعد آن علم بر آن‌ها استوار است. (ر.ک. عبدالله یزدی، ۱۳۷۱: ۱۱۵-۱۱۹)

۲- مبانی حفظ عفت جنسی

مکاتب و ادیان مختلف، جهت تبیین نظرات خود، از مبانی مختلفی بهره می‌برند؛ در واقع تفاوت آرای مکتب اسلام با سایر ادیان در مبانی، نهفته است. بحث از عفت جنسی در حیطه علم اخلاق است و موضوع این علم «انسان» است که باید هویت انسان و دیدگاه‌های او درباره جهان هستی روشن شود؛ بر این اساس مبانی حفظ عفت جنسی را «انسان‌شناسی» و «جهان‌بینی» تشکیل می‌دهند. «عفت جنسی» یکی از گرایش‌های فطری انسانی است که آثار آن کناره‌گیری از آلودگی‌های جنسی چه در عمل و چه در فکر و نظارت بر غرایز و تمایلات جنسی است؛ نفس عقیف آن است که با آگاهی از مبانی نه تنها عملاً خویشان‌دار است و مرتکب حرام و خلاف نمی‌شود، بلکه از نظر فکری آن‌چنان خود را سامان داده که افکار مخرب درونش ریشه نمی‌دواند. گرچه عفت جنسی فطری است، اما امور فطری در پرتو فکر و توجه به مبانی، بالنده و شکوفا می‌شوند.

۲-۱- جهان‌بینی

نوع نگرش و بینش انسان درباره خدا، جهان و انسان را جهان‌بینی گویند. (فعالی، ۱۳۹۶: ۹۸) بینش و اندیشه اصل و اساس حیات انسانی است؛ زیرا انسانیت انسان و ادراک او از عالم، آدم و خدا، به نحوه بینش و تفکر او بستگی دارد. با تفکر است که استعدادها پنهان آدمی از قوه به فعل درمی‌آید و زمینه حرکت کمالی او فراهم می‌شود؛ زیرا نیروهای باطنی انسان و حیات حقیقی او با فکر فعال می‌شود و با گشودن دریچه تفکر، درهای حکمت

و راه‌یابی به حقیقت بر او گشوده می‌شود؛ بر این اساس نظام فکری همه ادیان و مکاتب متکی بر جهان‌بینی است و باید و نبایدها برخاسته از هست و نیست؛ یعنی جهان‌بینی هر سیستم، فکری است؛ در نتیجه بین عمل و جهان‌بینی ارتباطی محکم وجود دارد؛ بدین گونه که اعمال هر شخصی حالت رو‌بنایی دارد و با کمک زیربنای فکری، اصول عقاید شکل می‌گیرد. (غروی، ۱۳۸۱: ۱۵۳ و ۱۵۴-۳۴) با این توضیحات در اینجا سؤالی رخ می‌نماید که رعایت عفت جنسی از سوی مردان و زنان، ثبات و استمرار آن، به چه چیزی بستگی دارد؟ جست‌وجو در آیات، روایات و... ما را به دو پیش رهنمون می‌سازد:

۲-۱-۱- جهان‌بینی مادی

برخی باور و اعتقادشان این است که همه وجود و حقیقت انسان در همین عالم ماده خلاصه شده و هیچ حقیقتی جز آن نیست و حیات انسان تنها به زندگی مادی دنیوی و منافع آن محدود می‌شود. با چنین نگرشی، زندگی انسان در رفع نیازهای جسم مادی از قبیل شکم‌پرستی، خواب، امیال شهوانی و جنسی و دیگر تمایلات طبیعی تنظیم می‌شود و بدان‌ها دل‌بسته می‌شود. به‌راستی انسان، نیاز غیرمادی ندارد؟ یا این‌گونه افراد بی‌دقتی کرده و به درون و نیازهای آن توجه ندارند؟! روشن است که انسان خواست‌های دیگری همچون کمال‌جویی، حقیقت‌طلبی، عدالت‌خواهی، پرستش و... دارد. حتی بسیاری از فلاسفه غرب، نه تنها بر اصل وجود آن‌ها در انسان، بلکه بر تفوق و برتری آن‌ها بر امیال حسی و طبیعی تأکید کرده‌اند و نادیده گرفتن این گرایش‌ها از تفریطی عمیق در شناخت و بینش و محاسبه آن‌ها نسبت به حقیقت انسانی خبر می‌دهد. (ر.ک. جوادی، ۱۳۸۷: ۵۴-۵۸)

۲-۱-۲- جهان‌بینی توحیدی

یکی از مبانی حفظ عفت جنسی جهان‌بینی توحیدی است. جهان‌بینی توحیدی، یعنی جهان آفریده‌ای است که یک آفریدگار دارد، به باطل و بازی خلق نشده و از او و به‌سوی او است؛ ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾. (بقره، ۱۵۶) یکی از مهم‌ترین ثمرات آن، این است که به پیروان خود می‌آموزد؛ هدف همه کارها و انگیزه‌های خود را بر اساس هدف آفرینش شکل دهند. مفسر ارزشمند، جوادی می‌نویسد: «هیچ موجودی نیست که دارای غایت نباشد،

موجودات جهان بر اساس فطرت و خلقت اصلی خود دارای هدف هستند و غایت همه امور، خداوند سبحان است.» (جوادی، ۱۳۸۶: ۴۰۱/۲) این هدف باید به طور دائم مورد توجه و بررسی انسان‌ها قرار گرفته تا راه و رسم زندگی هدفمند گم نشود. با توجه به آنکه بار مشکلات تربیتی و مدیریت داخلی خانه بر دوش زن است، سبب شده زنان در معرض فراموش کردن فطرت و هدف خلقت، گم شدن در مشکلات روزمره، انحرافات جنسی و کم‌رنگ شدن و یابی رنگ شدن بینش توحیدی قرار گیرند.

قرآن کریم در بیان بینش‌دهی توحیدی، انسان‌ها را تشویق می‌کند تا با شناخت جایگاه خود همه هم‌میشان را در مسیر کرامت انسانی در صف مجاهدان، صدیقان، مؤمنان، صالحان، متقیان، شهدا و... قرار دهند و از این طبقه به بزرگی یاد می‌کند. (آل عمران، ۳۹؛ نساء، ۶۹؛ مائده، ۹۳؛ انبیا، ۷۵-۹۴؛ توبه، ۱۱۹) «الهی بودن یا نبودن بینش» مسئله مهم و مبدأ حرکت اندیشه‌ها است. شهید مطهری با تأکید بر اینکه جهان‌بینی علاوه بر زیرسازی فکری و فلسفی، دیدگاه انسان به هستی و زندگی و ارزش آن را مشخص می‌کند، قدرت اجرایی مکاتب را نیز وابسته به همین پایه مهم دانسته و لازم می‌داند که جهان‌بینی توحیدی و دیدگاه ویژه‌ای که به حیات و انسان دارد به درستی شناخته شود. (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۵۷/۲)

برای عملی شدن حفظ عفت جنسی میان زنان متأهل باید به فکر ترویج جهان‌بینی الهی - که متفاوت از مادی است - بود؛ یعنی در کنار نگرانی سلامت جسم باید نگران فکر و فرهنگ هم بود. با ایجاد، تبیین و رواج بینش الهی، زنان، بی‌تکلف و بدون زحمت پاک‌دامن ظاهر می‌شوند و عفت‌ورزی را بر بی‌عفتی، مقدم می‌دارند؛ بنابراین در کنار پرداختن به ظاهر زندگی باید به سراغ جان (بینش و افکار) انسان‌ها رفت و آن را بر مبنای اسلام، آباد کرد، اگر چنین شد، زندگی اسلامی نیز آباد خواهد شد.

۲-۲- انسان‌شناسی

یکی دیگر از مبانی حفظ عفت جنسی، انسان‌شناسی است. از سؤالاتی که در طول تاریخ، اندیشمندان را به فکر واداشته سؤال از ماهیت انسان است. آیا مراد از انسان، همین

جسم ظاهری و شکل صوری و بُعد بیرونی است یا شاکله وجودی او گذشته از بُعد طبیعی دارای حیثیت فراطبیعی و بعد درونی نیز هست؟ دیدگاه‌ها درباره این دو جنبه انسان متفاوت است.

۲-۲-۱- برون‌گرایی افراطی: برخی کاملاً برون‌گرا هستند و درون را نفی می‌کنند. علم‌گرایی افراطی باعث خودفراموشی (خود الهی) بشر شده است. روند علوم تجربی که فقط بر تجربه و حس تأکید دارد جایگاهی برای درون انسان باقی نمی‌گذارد، همانند انسان‌گرایان لیبرال (فرضیه تکامل داروین) که معتقدند انسان، بخشی از جهان طبیعت است و بر اساس فرایند تحولی مداومی پدید آمده است. (رهنمایی، ۱۳۷۹: ۲۲۸) ویل دورانت می‌گوید: انسان، دارای ذهنی بیدار، قابل‌انعطاف، با امکان بازپروری هرگونه تصور و فکر، حساس در برابر زیبایی و مشتاق شهرت است و وجودی کاملاً فردگرا و مصمم به پرورش تمام قدرت‌های بالقوه خویش، در کنار روحی مغرور دارد. (دورانت، ۱۳۶۹: ۶۱۲-۶۱۳؛ جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۷۸) در نیم‌قرن اخیر، ماهیت انسان در دوره پست‌مدرن صرفاً جنبه فردگرایی داشته و معیار فهم بشری فقط در حس و تجربه منحصر شده و هیچ ابزار دیگری برای شناخت پذیرفته نمی‌شود. (ر.ک. جوادی، ۱۳۷۵: ۷۹)

قرآن کریم منشأ این نگرش را به مشرکان زمان موسی (علیه السلام) نسبت می‌دهد و آن‌ها را گرفتار صاعقه و نابودی می‌کند تا چنین بینشی را برای همگان و در تمام زمان‌ها باطل اعلام کند. (بقره، ۵۸) امروزه در آثار غالب اندیشمندان غربی، ویژگی برون‌گرایی وجود دارد؛ مانند گابریل مارسل، ژان پل سارتر، کانت، لاک و... نتیجه چنین مبنا و اندیشه‌ای چیزی جز غرق شدن در زندگی حیوانی، خوردن، آشامیدن، پوشیدن، شهوت‌رانی، حیرت و سرگردانی و محکوم شدن به افسون و اساطیر علمی، اجتماعی و سیاسی نیست. این نوع رفتارها سبک زندگی حیوانی را به دنبال دارد که بر پایه بینش مادی و برون‌گرایی، الگوگیری و رشد می‌نماید. (ر.ک. جوادی، ۱۳۷۵: ۶۹-۶۲)

۲-۲-۲- درون‌گرایی افراطی: در برابر دیدگاه نخست، بعضی به صحنه آمدند که به شدت درون‌گرا می‌باشند و جنبه ظاهری انسان را فراموش کرده‌اند؛ مانند صوفیان و دراویش

که سمت ریاضت‌های مشقت‌بار می‌روند. این ذهنیت و بینش سبک زندگی آن‌ها را در منزوی شدن از دیگران و جامعه متبلور ساخته و عینیت می‌بخشد.

۲-۲-۳- دیدگاه متعادل: به نظر می‌رسد نگاه صحیح، جمع میان هر دو جنبه انسانی است. بدین معنا که نه نمای بیرون فراموش شود و نه درون و بهترین پاسخ درباره ماهیت و حقیقت انسان را باید، انسان آفرین بدهد. معنای انسان، در قرآن کریم این است که حقیقت انسان با قطع نظر از مذکر یا مؤنث بودن، زنده‌ای است که هرگز به غیر خدا نمی‌اندیشد و به غیر خدا گرایش ندارد و از غیر خدا گزارش نمی‌دهد و چیزی جز تالله و دل‌باختگی به جمال و جلال الهی نیست. (ر.ک. جوادی، ۱۳۷۸: ۱۵۷/۷۹) هویت اصلی انسان را خودِ الهی (فطرت) تشکیل داده است. با این نگاه، حقیقت انسان را صورت و شاکله ظاهری او نمی‌سازد، بلکه بینش و جنبه باطنی و نفسانی او، وی را کامل خواهد نمود. (ر.ک. جوادی، ۱۳۷۵: ۹۲-۸۲) از این بیان هویداست تفاوت در تعاریف دیدگاه‌ها، ناشی از اختلاف در مبانی است و اختلاف در مبانی، غالباً ناشی از اختلاف در منابع است و این تفاوت، سیر تفکر انسان را متحول می‌سازد؛ بنابراین انسان‌شناسی هر فردی برگرفته از اعتقادات و جهان‌بینی اوست.

با دقت در بیان مطالب روشن شد از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده حفظ یا حریم‌شکنی عفت جنسی مربوط به جهان‌بینی و انسان‌شناسی افراد است و فهرست کردن هزاران عامل بدون توجه به مبانی، کاری بی‌فایده است و در میان انبوه مطالب که در جهت‌های مختلف بر یک نقطه (بی‌عفتی جنسی) وارد می‌شود، همین دو نکته، محوری است که بر آیندشان جهت اصلی را تعیین می‌کند و رفته‌رفته ریزعوامل را با خود هم‌جهت می‌سازد. با این حال، زمانی زنان و مردان متأهل می‌توانند درباره مسائلی همچون عفاف جنسی پای فشارند که توجه و باور به هویت حقیقی و انسانی خود داشته باشند که قطعاً برگرفته از باور و اندیشه آن‌هاست. خداوند رحیم در آیات بسیاری بینش عفت‌مداری را بیان نموده -به‌زودی بدان‌ها اشاره می‌گردد- و از این طریق، پایه حفظ پاک‌دامنی را در تمام لایه‌های زندگی به‌ویژه در روابط با نامحرمان، بیان نموده است.

۳- رابطه حفظ عفت جنسی و مبانی آن از منظر آیات، روایات و جامعه‌شناسی

«عفت» هویتی فطری در وجود انسان دارد و تنها دین نیست که ما را به عفاف و پاک‌دامنی فرامی‌خواند، بلکه این ندا از درون آدمی نشئت می‌گیرد. «فطرت» به معنای آفرینش ویژه انسان است. در فرهنگ اسلام، انسان از ناحیه بینش، خداشناس و از ناحیه گرایش، خداپرست و در یک کلام، کمال مطلق طلب، خلق شده و این نحوه از بینش و گرایش ویژه انسان است. (ر.ک. جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۵۴-۵۸) به همین سبب قرآن کریم، اصل مشترک همه انسان‌ها را فطرت الهی معرفی می‌کند؛ ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾. (روم، ۳۰) گستره ندای فطری عفت که هم در آیات و روایات و هم در سخنان دانشمندان جامعه‌شناسی، تمام فعل و انفعالات جوارح و جوانح انسان متدین را در بر گرفته و مهم‌ترین عامل در حفظ و بقای عفت فردی و عمومی جامعه است، هر یک جداگانه بررسی می‌شود.

۳-۱- رابطه حفظ عفت جنسی و مبانی آن از منظر آیات

آیات دو بخش دارد: یکی اصلاح بینش و دیگری معرفی مکانیسم‌های بینش. بینش‌ها زمینه‌ساز الگوهای رفتاری هستند و قرآن در لابه‌لای داستان‌ها و حکایت‌های خود، با ارائه مبنا و مؤلفه‌های صحیح آن و بیان الگوهای شایسته، چراغ‌های فروزانی را فرا راه انسان‌ها قرار داده است. بینش‌ها و ارزش‌های اصیل اسلامی، تنها در صورتی امکان ادامه حیات را خواهند داشت که در قالب‌های جدید مانند داستان، فیلم و... با تکیه بر مبانی، ارائه گردند. در غیر این صورت به احتمال قوی شاهد تغییرات ارزشی در زمینه‌های مختلف از جمله در مسائل خانوادگی، جنسی و... -به نوعی که در غرب اتفاق افتاد- خواهیم بود. (ر.ک. بستان، ۱۳۸۸: ۱۱۲) باورها و بینش‌های دینی با ارائه چارچوبی جامع، خلأ زندگی را با ایجاد معنا برای لحظه‌لحظه آن برطرف می‌کند و به افراد نوعی احساس کنترل و کارآمدی می‌بخشد. (ر.ک. حیدری، ۱۳۸۶: ۲۰) ارائه بینش صحیح تنها در قالب سخنان، نصایح و مواعظ خلاصه نمی‌شود، بلکه شکل عمیق‌تر و مؤثرتر آن مواجه کردن آدمی با واقعیت‌ها و ارائه مبانی و بینش به شکل عملی است تا از این راه، افق دید فرد در جریان عمل تغییر یابد و به طریق

حقیقت رهنمون گردد. (ر.ک. قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۷۴) در اینجا دو مورد از نقش حیاتی عوامل مبنایی در حفظ عفت جنسی تبیین می‌شود:

۳-۱-۱- انسجام عفت‌ورزی با اتکا بر بینش توحیدی (فطری): اهمیت بینش زمانی مشخص می‌شود که بدانیم بینش‌های آدمی مبنا و پایه زندگی قرار گرفته و به صورت عینی در رفتارها آشکار می‌شود و در تصمیم‌ها و تفسیرهای انسان درباره خدا، جهان درون و بیرون خود تأثیرگذار است. (ر.ک. مطهری، ۱۳۷۸: ۱۵/۵۰۴؛ فعالی، ۱۳۹۴: ۹۸) از جمله داستان‌هایی که به خوبی از نقش بسزای بینش در تغییر راه و شیوه و حفظ عفت جنسی حکایت دارد، داستان حضرت یوسف (علیه السلام) است. بدون شک، یوسف (علیه السلام) جوانی بود با تمام احساسات جوانی، ولی غرایز نیرومند او تحت فرمان عقل و ایمان او بود و هنگامی که زلیخا از او درخواست نامشروع کرد، بینش توحیدی و نیروی ایمان قوی او بود که قدرت غریزه را که تالپ پر تگاه کشانیده بود به عقب راند. قرآن مجید این لحظه زودگذر حساس و بحرانی را این گونه ترسیم کرده است: ﴿هَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ﴾؛ (یوسف، ۲۴) همسر عزیز مصر، قصد او را کرد و یوسف نیز، اگر برهان پروردگار را نمی‌دید.

در کشمکش غریزه و عقل، نیروی فوق‌العاده بینش توحیدی حضرت یوسف (علیه السلام) طوفان غریزه را در هم شکست و به یاری او آمد. آنچه در سوره یوسف مطرح است بینش‌دهی عفت‌مداران و تقوای یوسف به مخاطب است، نه جمال او. قرآن کریم بر اعتقاد و کمال درونی یوسف صدیق تکیه می‌کند که با وجود همه امکانات و با داشتن یک خار راه به نام جمال، توانست ره توشه عفت و تقوا را به قدری تقویت کند که از همه سدها بگذرد و زمام جمال بیرونی را به دست کمال درونی بسپارد. (ر.ک. جوادی آملی، سیره پیامبران در قرآن: ۴۰/۷) مورد دیگر آنکه خداوند پاک‌دامنی حضرت مریم (علیها السلام) را که جز با بینش توحیدی او میسر نبود، برای همه زنان و مردان مؤمن سرمشق و نمونه قرار داد: ﴿أَلْتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا﴾؛ (تحریم، ۱۲) بانویی که شایستگی دمیدن روح ما را (عیسی روح‌الله) به خود اختصاص داد. بر همین اساس بالاترین ارزشی را که قرآن کریم به مریم، دختر عمران نسبت می‌دهد، عفاف و پاک‌دامنی اوست که تبلور عملی باور و اعتقاد فطری (توحیدی)

است. قرآن بر این مطلب تأکید فراوان دارد که هر چه عفاف زن بیشتر باشد، عفت‌ورزی در زندگی بیشتر نقش آفرینی می‌کند؛ بنابراین بینش، نقش پایه‌ای در زندگی هر فرد دارد. قدرت بینش را حتی می‌توان در بقای انسان نیز یافت، وقتی فردی دست به خودکشی می‌زند، در حقیقت بینشی منفی و یا تاریک به آینده دارد. حتی در بدترین شرایط ممکن، این بینش است که مهم‌ترین عامل نجات‌دهنده است. اهل بیت (علیهم‌السلام)، عالمان دین و به‌ویژه علمای شیعه به‌منظور بینش‌دهی در زندگی از راه‌های مختلف کوشیدند تا بینش و نگرش توحیدی را به آدمیان بشناسانند و در این راه از همه ابزارهای معرفتی، همانند حس و تجربه، برهان عقلی، شهود قلبی و اشراق باطنی، فطرت و وحی بهره گرفتند و موفقیت‌های بسیاری را به دست آوردند.

شهید مطهری نقش بینش زن را در انتخاب حفظ عفت یا بی‌عفتی چنین بیان می‌کند: «زن نقش سازندگی غیرمستقیم تاریخی خود را مدیون اخلاق و بیره جنسی خویش، یعنی عفاف، حیا، تقوا و دورباش زنانه خویش است. آنجا که زن، دورباش، حیا و عفاف را حفظ نکرده و خود را به ابتذال کشانده، این نقش تاریخی را از دست داده است. در برخی جوامع زن، خانه را رها کرده و وارد اجتماع شده است، در شئون علمی، هنری، فکری، سیاسی شریک مرد شده است و به‌صورت «شخص» درآمده است... در این گونه جوامع زن، نقش مستقیم خود را در سازندگی تاریخ به کف آورده، اما نقش غیرمستقیم را که از آن کمتر نیست از کف داده است. آنجا که زن نقش غیرمستقیم خود را از دست می‌دهد، هم خود را تباه می‌سازد و هم مرد را. (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۹/۳۷۱) بنابراین سلامت فکر و اندیشه توحیدی مبدأ گرایش‌های اخلاقی و سبک عملی همچون عفاف، حیا و حجاب می‌شود که به‌صورت ملکات و اوصاف ثابت استقرار می‌یابد و علاوه بر سلامت نفس، سلامت نسل را تضمین می‌نماید.

۳-۲- پایداری عفاف با ازدواج هدفمند

ازدواج با طبیعت، غریزه و فطرت بشری هماهنگ است و چون اسلام دین فطرت است، طبعاً ازدواج را تجویز نموده و برای رابطه زن و مرد قانون گذارده است. در دین مبین اسلام

حقوق جنسی که به سهم خود نقش بسزایی در تداوم زندگی زناشویی دارد مورد توجه قرار گرفته و حق جنسی هیچ‌یک از زوجین در اسلام نادیده گرفته نشده است. با توجه به نوع جهان‌بینی و انسان‌شناسی آدمیان، دو نظریه افراطی و تفریطی به این مسئله فطری و طبیعی آسیب رسانده و این سنت طبیعی الهی را بر هم زده است:

أ- نظریه افراطی (نگاه مدرن): رابطه جنسی زن و مرد را بدون مرز می‌داند نه محدود به قانون. این نگرش، مقام انسان را از برخی حیوانات پست‌تر می‌کند؛ زیرا برخی حیوانات برای تولیدمثل، دارای قانون و نظم هستند، چنان‌که هر کبوتر برای جفت‌گیری و تولیدمثل با کبوتری معینی می‌آمیزد و هر دو به کمک یکدیگر آشیانه‌ای می‌سازند. هریک از آنان خود را در حفظ تخم و تبدیل آن به جوجه و همچنین در تغذیه و تربیت جوجه‌ها شریک می‌داند که تا جداشدنشان از پدر و مادر ادامه دارد. آزادی بی‌حد و حصر زن و مرد، همان سنت جاهلی قبل از اسلام است که زنان و مردان به انواع فساد و فحشا تن می‌دادند. (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۸۶/۴)

در نگاه مدرن، که برخاسته از تفکر و اندیشه‌ی غربی است، زن را برای جامعه مردان می‌خواهد و او را تا برهنگی در جامعه پیش می‌برد؛ چرا که این وضع، مطلوب مردان است. به‌عنوان نمونه در سال‌های اخیر، شمار دختران مهاجری که در کشورهای غربی به‌عنوان ملکه زیبایی یا همان دختر شایسته دست پیدا می‌کنند، افزایش ناگهانی یافته است. این امتیاز از سیاست‌های مزدورانه غرب است و اعمال این چنین را بدون هدفی شوم دنبال نمی‌کنند. سیاست‌مداران غربی می‌خواهند به این وسیله، مهاجران مسلمان و شرقی را برای شرکت در مسابقه تشویق کنند تا برای زنان مسلمان، از بین هم‌کیشان خودشان الگوسازی نمایند و کاری کنند که قبح بسیاری از اعمال، در نظر آنان کم‌رنگ شود! از طرف دیگر، به ساکنان کشورهای شرقی چنین القا می‌کنند که در غرب هم آزادی کامل برقرار است و خبری از تبعیض نیست و هم زندگی غربی را بسیار دل‌نشین و زیبا معرفی کنند که هم‌وطنان آن‌ها از این زندگی زیبا بهره‌مند شده‌اند که با این روش به تغییر باورها و الگوهای اسلامی به غربی دامن زنند.

ب- نظریه تفریطی (سنتی): اگر نگاه مدرن، زنان را برای جامعه مردان می‌خواهد، اما در نگاه سنتی، مردان زنان را فقط برای خود و تمایلات و تمنیات خودشان می‌خواهند و ممکن است زنان را بسیار محدود کنند. در این نگاه هر پیمان زناشویی باید تا پایان عمر برقرار بماند و زن و مرد هرگز حق جدایی از یکدیگر را ندارند، گرچه عدم تفاهم اخلاقی و اختلاف آن دو زندگی را برایشان طاقت فرسا کند. اصطلاح عرفی «زن ذلیل» در این نگاه قرار می‌گیرد؛ چراکه در این تفکر، قدرت مرد یا باید بر همسرش غالب باشد یا اینکه مرد ذلیل است.

ت- نظریه اعتدالی اسلام: دیدگاه سوم متعلق به اسلام است و هیچ کدام از دو نگاه قبل را نمی‌پذیرد. در این نگاه رابطه زن و شوهر قانونمند و هدفمند است؛ از این رو اسلام نکاح را حلال و زنا را حرام کرده است. اسلام در عین اینکه به حق جنسی مرد و زن توجه کرده به هدف از ازدواج، عزت و ویژه‌ای داده است. (حق جنسی شوهر مانند «حق تمکین» که زن بدون عذر شرعی نمی‌تواند از نزدیکی کردن شوهر جلوگیری کند (خمینی، ۱۳۷۹: ۲۶۳) و «حق اختیار فسخ عقد در مواردی خاص» که اگر به سبب برخی بیماری‌های واگیردار یا کاستی‌های جسمی زن در اندام‌های تناسلی، امکان بهره‌گیری جنسی برای شوهر فراهم نشود، او می‌تواند عقد ازدواج را فسخ کند. حق جنسی زن مانند اینکه «شوهر نمی‌تواند بیش از چهار ماه بدون عذر شرعی، از نزدیکی با همسرش اجتناب کند» (خمینی، ۱۳۸۶: ۸۶-۸۵/۴) یا «حق فسخ ازدواج توسط زن در فرض ناتوانی جنسی شوهر». (خمینی، ۱۳۸۶، ۸۵/۴) در روایات نیز جهت تأمین نیازهای جنسی، به گستره وسیعی از این امر توجه شده؛ مانند آرایش کردن و معطر نمودن خود برای همسر و بی‌توجهی به این مهم، از جمله عوامل انحرافات جنسی زنان بیان شده است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۸۳/۲۲ و ۱۰۲/۷۶)

قرآن در مقام بیان رابطه زناشویی و تبیین هدف اصیل آن، زنان را به مزرعه تشبیه می‌کند: ﴿نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلِمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقِقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾. (بقره، ۲۲۳) چه بسا این تشبیه برای بعضی سنگین آید که چرا اسلام درباره نیمی از نوع بشر، چنین تعبیری به کار برده است؛ حال آنکه نکته بسیار مهم و ظریفی در این تشبیه نهفته است؛ در حقیقت، قرآن می‌خواهد بینش ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی

نشان دهد که زن وسیله ارضای شهوت و هوسرانی مردان نیست، بلکه وسیله‌ای برای حفظ حیات نوع بشر است. همان‌گونه که گیاهان در کشتزار رشد می‌کنند و ادامه حیات می‌دهند، انسان‌ها نیز به وسیله وجود زنان متولد شده و نسلشان ادامه می‌یابد. از آنجا که باورهای دینی افراد با سبک زندگی آنان رابطه دارد این سخن هشدار برای آنان است که جنس زن را بازیچه یا وسیله هوس‌بازی می‌دانند. (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴۲/۲؛ جوادی، ۱۳۸۷: ۱۸۹/۱۱)

زن به‌عنوان موجودی که از نظر فطرت و شخصیت حقیقی با مرد مشترک است، موجودی است که در سیستمی چهاربعدی، قابل تبیین است: رابطه با خدا، رابطه با خود، رابطه با دیگران و رابطه با طبیعت. در این چهار رابطه است که انسان تعریف شده و فطرت توحیدی او شکوفا می‌شود. این چهار پیوند؛ در واقع نظامی جامع و منظم می‌سازد که در میان انواع رابطه‌ها، ارتباط انسان با خدا از ویژگی خاصی برخوردار بوده و به سایر روابط، شکل و جهت می‌دهد. انسان‌ها، در پی این ارتباط، مظهر و مجلای برخی صفات حق تعالی می‌شوند و «زن»، جلوه‌گاه اسم «محبی» است؛ زیرا زنان این استعداد را دارند که موجودی زنده را درون خود پرورش داده و با علم حضوری «حیات» را تجربه کرده و طعم هستی را از درون، بچشند. (جعفری، ۱۳۵۹: ۲۶۲/۱۳-۲۶۳) این توانمندی ویژه، باعث گردیده که به تعبیر ابن عربی، زن، در مقایسه با مرد، به مکون و حیات‌بخش، نزدیک‌تر باشد. (ابن عربی، بی تا: ۵۳۲/۱ و ۵۰۵/۳)

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تشویق به ازدواج و تکثیر نسل نقل شده است: «تناکحو تکثروا، فإني أباهي بكم الأمم حتى بالسقط» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵: ۲۸۶/۳) و از امام معصوم علیه السلام نقل شده که می‌فرماید: «والمولود في أمّتي أحب إلي مما طلعت عليه الشمس». (همان، ۱۴۰۵: ۲۸۶/۳) توجه به این مطالب ما را به این نتیجه می‌رساند که ازدواج پشتوانه عقلی دارد و نگاه به ازدواج ماوراء همه این‌هاست و آن تحقق اسماء الهی است؛ یعنی باید خانواده باشد و فرزند باشد تا اسماء الهی محقق شود و تحقق توحید در پس پیوندهای انسانی است.

از آنجا که مسئولیت تشکیل خانواده و تحصیل همسر و اداره و تربیت فرزندان و تأمین

هزینه زندگی خانواده کاری بسیار دشوار است و انسان به آسانی به آن تن نمی‌دهد، خدای سبحان او را به گونه‌ای آفریده که از طرفی از تنهایی رنج برد و از سویی باید به غریزه جنسی پاسخ دهد و از نکاح لذت برد تا زمینه تشکیل خانواده و تکثیر نوع فراهم شود. این لذت به منزله مزد تحمل زحمت تأمین عائله است نه هدف نکاح، هر چند بعضی در هدف ازدواج، هدف را از وسیله باز نشناختند و به سبب نگرش ابزاری به زن گمان کردند هدف ازدواج، شهوت‌رانی و لذت‌های جنسی است؛ از این رو در زندگی همواره به شهوت‌رانی می‌پردازند. (جوادی، ۱۳۸۹: ۲۷۶-۲۷۳)

در طول تاریخ، پیامبران الهی منادی بینش‌دهی بوده و در سیره تربیتی خود همواره تلاش می‌نمودند تا چشمه فکر و نگرش صحیح را در نهاد آدمی به جوشش درآورند. در شیوه تربیتی علمای اخلاق نیز بخش قابل توجهی از تدابیر و رهنمودهای اصلاحی آنان مربوط به بُعد شناختی انسان است؛ چراکه اساساً ایجاد تحول در سبک زندگی، بدون تغییر و تحول در بینش و نگرش انسان میسر نیست و در صورت وقوع نیز قطعاً ثبات و دوام نخواهد داشت.

۴- رابطه حفظ عفت جنسی و مبانی آن از منظر روایات

حفظ عفت جنسی در روایات و کلام معصومین (علیهم‌السلام) مورد تأکید بسیاری قرار گرفته است که به جهت جلوگیری از طولانی شدن بحث، تنها به چند روایت مختصر اشاره می‌شود. امام سجاد (علیه‌السلام) عفاف را بالاترین عبادت بعد از شناخت خدا می‌شمارد و می‌فرماید: «ما منشیء أحببنا إلی الله بعد معرفته من عفة بطن و فرج»؛ هیچ چیز نزد خداوند پس از شناخت او، محبوب‌تر از عفت در خوردن و عفت در مسائل جنسی نیست. (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۸۲)

روایاتی از حضرت علی (علیه‌السلام) در این خصوص نقل شده است؛ مانند «عفاف، برترین عبادت است». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۸/۷۸) این حدیث بیان‌گر این مسئله است که عبادات مهمی چون نماز، روزه، حج، جهاد و... درجه بعد از عفت قرار گرفته‌اند، زیرا اصل و ریشه عفت «طهارت» است و «اصل طهارت» خود زیربنا و اصل اولیه کلیه مسائل و احکام و قواعد شرعی است؛ که برای انجام تمام تکالیف، وظایف و عبادات دینی اصل اول

داشتن «طهارت» است. از همین حیث «عفت»، که خود طهارتی درونی و فطری است برترین عبادت شناخته شده است.

در حکمت ۴۷۴ امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «ما المجاهد فی سبیل اللّٰه باعظیم اجراً ممن قدر فعفّ لکادّ العفیف أن یكونَ ملکاً من الملائکة»؛ پاداش مجاهد شهید در راه خدا بزرگ‌تر از پاداش عقیف پاک‌دامنی نیست که قدرت بر گناه دارد و آلوده نمی‌گردد؛ همانا عقیف پاک‌دامن فرشته‌ای از فرشته‌هاست. گرچه عفت در این روایت به صورت عام بیان شده پر واضح است که یکی از مصادیق آن عفت جنسی است.

دقت در این روایات ما را به این نتیجه می‌رساند که تأکید بر عفت به هدف بینش‌دهی و آفرینش پاک‌دامنی است؛ چرا که میان باورها و بینش‌ها و رشد عفاف، رابطه علی و معلولی وجود دارد و عفت معلول بینش و نگرش است. اگر این عصاره شیرین و ارزشمند از حقیقت وجود آدمی که مبتنی بر باورهای اوست بیرون رود، نه تنها دین درباره او کارآمدی نخواهد داشت؛ بلکه با کم‌رنگ‌شدن بینش و باور توحیدی، خصایص انسانی هم به تدریج از وجود او رخت بر خواهد بست؛ زیرا رشد یا گمراهی انسان ریشه در باورهای او دارد. به طور مثال هرزه‌نگاری‌های اینترنتی یا پورنوگرافی (pornography) به معنای مطالبی که از لحاظ جنسی آشکار هستند و عمدتاً به قصد تحریک جنسی ارائه می‌شوند (حسینعلی بای و بابک پورقهرمانی، ۱۳۸۸: ۹۸) از مصادیق بی‌عفتی است که با استفاده از ضبط تصاویر و صحنه‌های زشت جنسی و روابط خصوصی زن و مرد و پخش آن‌ها توسط قاچاق فیلم، سی‌دی، اینترنت و ماهواره تأثیر زیادی در تحریک غریزه جنسی دارد و آن‌چنان قوی و مخرب است که هیچ ابزار انحرافی نمی‌تواند با آن برابری کند. انگیزه اصلی ساخت این نوع فیلم‌ها بی‌هویتی افراد، تزلزل باورها و انحطاط فرهنگی فرد و جامعه است. کلیه روان‌شناسان این انحطاط اخلاقی چشم‌چرانی را نوعی انحراف روانی می‌دانند که اگر در کسی پدیدار شود قابل توقف نخواهد بود. به طوری که این عارضه، کم‌کم در او حالت وحشیانه و خاصی را به وجود می‌آورد و رفته‌رفته وی را به انحراف روانی دیگر به نام voyeurisme مبتلا می‌سازد. در این حال بیمار از تماشای بدن لخت و دیدن آلت تناسلی دیگران، لذت می‌برد و این مرحله خود مقدمه ایجاد

انواع sadism است. (راستگر، ۱۳۴۹: ۳۵-۳۴)

از اینجاریوشن می شود که خداوند سبحان و ائمه معصومان علیهم السلام بهتر از هر کس به ساختمان بشر آگاه هستند و بر اساس مصلحت، عفت و رزی و حیا و پوشش را برای اجتماع بشر ضروری و واجب دانسته اند و حضرت علی علیه السلام با نظر به نیاز درونی انسان در پی بینش دهی و تحقق آن می باشند تا موجبات تقویت عفت فراهم گردد؛ در واقع این نوع بیان برآمده از بینش و نگرش توحیدی است، برای دوری از بیماری های روانی و حفظ شخصیت زن و ساختن محیطی پاک و سالم است؛ در حالی که تمام تلاش مستعمران فرهنگی متکی بر بینش مادی بر اشاعه فرهنگ بی بندوباری غربی با کنارزدن مرز محرم و نامحرم بوده تازمینه انحطاط و فساد ملت ها فراهم شود.

۵- رابطه حفظ عفت جنسی و مبانی آن از منظر جامعه شناسان

به باور بسیاری از فلاسفه و جامعه شناسان غیرمسلمان، پژوهش ها نشان می دهد که معنویت، عقاید و باورهای مذهبی با سطح تعهد اخلاقی و خویشترداری جنسی زوجین، رابطه مستقیمی دارد؛ بنابراین با تقویت ابزارهای کنترل درونی (مانند عفت، حیا، غیرت و...) و احساس حضور ناظر بیرونی و تکیه بر تقیدات مذهبی، میزان پابندی فرد به تعهدات زناشویی افزایش پیدا می کند و احتمال خیانت های عاطفی، روانی و جنسی کاهش می یابد. (جمعی از نویسندگان، بی تا: ۱۳۶)

برخی جامعه شناسان در این زمینه پای فشرده و معتقدند که بینش ایمانی و باورهای انسان افزون بر تأثیر مستقیم در رفتار، سبب حراست و صیانت درون و بیرون، اندیشه و عمل، نیت و قول است. (ر.ک. بستان، ۱۳۹۲: ۱۶۰) بنابراین اگر بینش و باورهای آدمی بر پایه معرفت توحیدی و فطری شکل گیرد عفت جنسی بیشتر تقویت می شود و اثر این نوع بینش، تلاش و تقویت درونی انسان بر حاکمیت عفت در سطره وجودش است و هر مقدار انسان عفیف باشد به عالم قدس و ملائک نزدیک تر است؛ به گونه ای که می تواند با باروری و شکوفاسازی این شاخصه اوج بگیرد و فراتر از آنچه تصور انسان هاست، پرواز کند و به

فرمایش امام علی (علیه السلام) در حکمت ۴۷۴، «همانا عقیف پاک‌دامن فرشته‌ای از فرشته‌هاست». روان‌شناسان جنسیتی برای زنان خصوصیات برمی‌شمارند که حاصل آن، قوت‌بینش و معرفت‌توحیدی در زن است. صفاتی مانند: لطافت روح، قوت بصیرت، اخلاقی بودن، ضعف غریز، انعطاف، مهرورزی، دین‌پذیری، صمیمیت، عاطفی بودن، تواضع، ضعف خودخواهی و قوت شهود درونی. آن‌ها معتقدند زن‌ها در زمینه بینش فردی و بصیرت از مردان قوی‌تر هستند و بسیاری از کارهای خود را از طریق همین نیرو انجام داده و به‌جای تفکر و تدبیر از این چشم‌باطنی و شهود درونی بهره می‌برند. (ر.ک. لمبرزو، بی تا: ۱؛ مجد، ۱۳۷۹: ۱۳/۷۹؛ نوابی‌نژاد، ۱۳۸۵؛ رکاوندی، ۱۳۷۰)

با این توصیف در جامعه‌ای که زنان دلایل مختلفی را مانند عدم ارضای نیاز جنسی، دل‌زدگی جنسی، افسردگی جنسی، بی‌حوصلگی و خستگی جنسی را مطرح و مسیرهای ناهنجار بی‌عفتی جنسی را انتخاب می‌کنند ناشی از نگرش و بینش غیرتوحیدی است. اینکه همسری به علت مشکل و یا محرومیت جنسی در زندگی زناشویی طرف مقابل را مقصر جلوه می‌دهد تا بر رفتار غیراجتماعی و غیرشرعی خود سرپوش بگذارد، نادرست است.

امروزه برخی از افراد که در جهت ارتقای سطح آگاهی دینی مردم تلاش می‌کنند دانسته و یا ندانسته به این موضوع دامن می‌زنند و توصیه‌هایی غیرعلمی می‌کنند که در هر شرایطی همسرانشان را از نظر جنسی تطمیع کنند و اگر نکنند اتفاقات بدی منتظر آنان است و آسیب‌های جدی به زندگی زناشویی و استحکام خانواده خواهد خورد؛ مانند لغزش زنان یا مردان و گرایش آن‌ها به محرک‌های جنسی خارج از خانه! اما واقعیت با عمیق شدن در فهم آیات و روایات این است که مسئله «بی‌عفتی جنسی» ریشه در نگاه ابزاری به زن و نگاه جنسی صرف به مرد است. (مرفاتی، www.afghanistan.shafaqna.com)

در این راستا صهیونیسم جهانی، به هدف ایجاد نگرش و بینش بر مبنای جهان‌بینی و انسان‌شناسی خود -مادی- با استیلای فرهنگی سیاسی و از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی زمینه فروپاشی باورها و بینش‌های اسلامی را فراهم می‌سازد و در نتیجه فرزندان خانواده‌ها را از نظر اخلاقی به فرزندخوانده‌های تربیت‌شده خویش تبدیل می‌نماید و سبک زندگی آنان را در منش، گویش، پوشش، آرایش و انتخاب فرهنگ زندگی، دنباله‌رو خود می‌گرداند

و با تغییر باورها و نگرش‌ها که اصل و پایه همه رفتارهاست، زنان و مردان را از فضای عاطفی خانواده دور کرده و به بهره‌کشی‌های جنسی و غیرجنسی از زنان (مانند بهره‌گیری از نیروی کار دقیق، ظریف و ارزان زنان در شرکت‌های صنعتی بزرگ) در بالاترین حد ممکن می‌پردازد.

سردمداران این نظام شیطانی در عرصه جهانی، با بهره‌گیری از سیطره نظام رسانه‌ای و اشاعه انواع آن همچون موسیقی و آهنگ‌های مبتذل موجبات تحریک قوای شهوانی و لغزش‌های جنسی را فراهم می‌کنند و سعی وافر در تغییر باورها و ارزش‌های اسلامی به باورهای غیراسلامی دارند؛ نظیر اینکه حس شریف مادرانه نسبت به تربیت نسل سالم را در وجود زنان و دختران به حس لذت‌جویی‌های بی‌حدومرز جنسی، تن‌دادن به امور مردانه و فرار از مسئولیت‌های مادرانه تبدیل می‌گردانند؛ تا جایی که بسیاری از دختران مسیحی و مسلمان را در سطح جهان به سوی مدپرستی، برهنگی، سکس و آلودگی‌های جنسی کشانیده و آنان را به برده‌های جنسی و خودفروشی‌های شبه‌اختیاری وادار نموده‌اند. (ر.ک. نیلی‌پور، ۱۳۸۵: ۹/۳-۱۳)

پیامبر ﷺ عقوبت و فرجام چنین نگرش و الگوگیری را در حدیثی نقل فرمودند تا انسان‌ها را از این مبنای مادی و منش زشت بر حذر دارند: «در میان امت من فرورفتن در زمین و موردحمله صاعقه قرارگرفتن، واقع می‌شود؛ پرسیدند چه زمانی این دو بلای مهم واقع می‌شود؟ فرمود: هر زمانی که آلات موسیقی و طرب و شرب خمر و آب‌جو شایع گردد به خدا قسم خواهند آمد مردمانی از امت من که متکبر و فرحناک و بازیکن باشند؛ آنان گرفتار مسخ می‌شوند به صورت میمون و خنزیر (خوک) به جهت اینکه حرام دین خدا را حلال می‌شمارند و زن‌های آوازه‌خوان را در محل‌هایی می‌آورند که بخوانند و شراب می‌خورند و ربا می‌گیرند و لباس‌های حریر و ابریشم می‌پوشند و...» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۳۱/۱۷)

نتیجه‌گیری

- ۱- «عفت» در زبان فارسی به معنای پاک‌دامنی آمده است. «عفت جنسی» یکی از گرایش‌های فطری انسانی است که آثار آن کناره‌گیری از آلودگی‌های جنسی چه در عمل و چه در فکر و نظارت بر غرایز و تمایلات جنسی است.
- ۲- «مبانی» از ریشه مبنا و در لغت به معنای پایه و اساس است که چیزی روی آن بنا شده است.
- ۳- هر رفتار در هر محدوده‌ای که باشد از مبنا و بینشی خاص برمی‌خیزد.
- ۴- نوع نگرش و بینش انسان درباره خدا، جهان و انسان را جهان‌بینی گویند. جهان‌بینی از مهم‌ترین مبادی هر اندیشه است. تفاوت در دیدگاه‌ها، ناشی از اختلاف در مبانی است و اختلاف در مبانی، غالباً ناشی از اختلاف در منابع است و این تفاوت، سیر تفکر انسان را متحول می‌سازد.
- ۵- مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده حفظ یا حریم‌شکنی عفت جنسی مربوط به جهان‌بینی و انسان‌شناسی افراد است و فهرست کردن هزاران عامل بدون توجه به مبانی سبک زندگی، کاری بی‌فایده است.
- ۶- حفظ عفت جنسی زنان شوهردار معلول بینش و نگرش آن‌هاست و اگر این عصاره شیرین و ارزشمند از حقیقت وجود آدمی که مبتنی بر باورهای اوست بیرون رود، نه تنها دین درباره او کارآمدی نخواهد داشت؛ بلکه با کم‌رنگ شدن بینش و باور توحیدی، خصایص انسانی هم به تدریج از وجود او رخت بر خواهد بست.
- ۷- بینش، نقش پایه‌ای و مبنایی در زندگی هر فرد دارد؛ چنان‌که در کشمکش غریزه و عقل، نیروی فوق‌العاده بینش توحیدی حضرت یوسف (علیه السلام) طوفان غریزه را در هم شکست و به یاری او آمد.
- ۸- در جامعه‌ای که زنان دلایل مختلفی مانند عدم ارضای نیاز جنسی، دل‌زدگی جنسی، افسردگی جنسی، بی‌حوصلگی و خستگی جنسی را مطرح و مسیرهای ناهنجار بی‌عفتی جنسی را انتخاب می‌کنند، ناشی از نگرش و بینش غیر توحیدی است.

۹- صهیونیسم جهانی، به هدف ایجاد نگرش و بینش بر مبانی جهان‌بینی و انسان‌شناسی خود با استیلای فرهنگی سیاسی و از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی زمینه فروپاشی باورها و بینش‌های اسلامی را فراهم می‌سازد و با موسیقی و آهنگ‌های مبتدل و... سعی وافر در تغییر باورها و ارزش‌های اسلامی به باورهای غیراسلامی دارد.

۱۰- قرآن بینش ضرورت وجود زن و هدف اصیل رابطه او را با همسر چنین بیان می‌کند که زن وسیله ارضای شهوت و هوس‌رانی نیست، بلکه وسیله‌ای برای حفظ حیات نوع بشر است.

۱۱- ازدواج پشتوانه عقلی دارد و نگاه به ازدواج ماورای همه نگاه‌هاست و آن تحقق اسماء الهی است؛ یعنی باید خانواده باشد و فرزند باشد تا اسماء الهی محقق شود و تحقق توحید در پس پیوندهای انسانی است.

۱۲- به باور بسیاری از فلاسفه و جامعه‌شناسان غیرمسلمان، معنویت، عقاید و باورهای مذهبی با سطح تعهد اخلاقی و خویش‌داری جنسی زوجین، رابطه مستقیمی دارد.

کتابنامه

* قرآن

* نهج البلاغه

۱. ابن ابي جمهور، محمد بن زين الدين، ۱۴۰۵، عوالي اللثالي العزيزية في الأحاديث الدينية، قم: سيدالشهداء.
۲. ابن بابويه، محمد بن علي، ۱۳۸۵، علل الشرائع، قم.
۳. ابن عربي، محيي الدين، بي تا، الفتوحات المكية، بيروت: دار صادر.
۴. ابن فارس، ۱۴۰۴، معجم مقاييس اللغة، قم: مكتب الاعلام الاسلامي.
۵. ابن منظور، محمد بن مكرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، بيروت: دار صادر.
۶. احمدی سلمانی، علی، ۱۳۸۴، «عفاف در قرآن و حدیث»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
۷. بای، حسینعلی و بابک پورقهرمانی، بی تا، «بررسی فقهی و حقوقی هرزه نگاری در فضای مجازی»، حقوق اسلامی، س ۶، ش ۲۳.
۸. بستان، حسین، ۱۳۹۲، نظریه سازی دینی در علوم اجتماعی با تطبیق بر جامعه شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. بستان، حسین و همکاران، ۱۳۸۸، اسلام و جامعه شناسی خانواده، چ ۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. جعفری، محمدتقی، ۱۳۵۹، ترجمه و شرح و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، تسنیم، قم: اسراء.
۱۲. _____، ۱۳۷۵، حق و تکلیف، قم: اسراء.
۱۳. _____، ۱۳۷۸، فطرت در قرآن، قم: اسراء.
۱۴. _____، ۱۳۸۷، نسبت دین و دنیا، چ ۵، قم: اسراء.
۱۵. جمعی از نویسندگان، بی تا، «درباره فضای مجازی چه بدانیم و چه بگوئیم؟».

- حقیقت مجازی، تهران: مرکز ملی فضای مجازی.
۱۶. حرانی، حسین بن شعبه، ۱۴۰۴، تحف العقول عن آل الرسول، قم: جامعه مدرسین.
۱۷. حر عاملی، محمد بن الحسن، ۱۳۷۲، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، چ ۲، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۸. حر عاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۹، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت.
۱۹. خوانساری، محمد بن حسین، ۱۳۶۶، شرح جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، چ ۴، تهران.
۲۰. خمینی، سیدروح الله، ۱۳۸۶، تحریر الوسیله، قم: دارالعلم.
۲۱. _____، ۱۳۷۹، رساله توضیح المسائل، با حواشی سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی، قم: نجات.
۲۲. دورانت، ویل، ۱۳۶۹، لذات فلسفه، ترجمه علی زریاب خوئی، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۳. راستگو، محمدباقر، ۱۳۴۹، چشم‌هایت، تهران: برهان.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار القلم.
۲۵. رکاوندی، مجتبی، ۱۳۸۰، روان‌شناسی زن، قم: شفق.
۲۶. رهنمایی، احمد، ۱۳۷۹، غرب‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی پرورشی امام خمینی.
۲۷. صدر حاج سید جوادی، ۱۳۶۸، «اصول دین و مذهب»، دایرة المعارف تشیع، تهران: یاران.
۲۸. طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، چ ۵، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. عروسی حویزی، علی بن جمعه، ۱۴۱۵، تفسیر نور الثقلین، چ ۴، قم: اسماعیلیان.
۳۰. غروی‌ان، محسن، ۱۳۸۱، «رابطه فقه و علوم»، اندیشه حوزه، ش ۳۴.

۳۱. فعّالی، محمد تقی، ۱۳۹۶، ازدواج و خانواده، بی جا: بنیاد فرهنگی هنری امام رضا(ع).
۳۲. _____، ۱۳۹۷، مبانی سبک زندگی اسلامی، چ ۲، تهران: آل یس.
۳۳. فلسفی، محمد تقی، ۱۳۴۲، کودک از نظر وراثت و تربیت، تهران: هیئت نشر معارف اسلامی.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷، الکافی، چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۵. لمبروزو، جینا، بی تا، روح زن، ترجمه پری حسام، بی جا: دانش.
۳۶. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، چ ۲، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۳۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، یادداشت‌های شهید مطهری، تهران: صدرا.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۲، اخلاق در قرآن، قم: امام علی بن ابیطالب.
۳۹. نوابی نژاد، شکوه، بی تا، «روان‌شناسی زن و مرد»، پیوند، ش ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱.